گیشه پول

بازخوانی پرونده شبکه بانکی مصوبات سفرهای استانی (۱۲)

بانکی‌ها در گیره

■ **شرق، راشل آرامیان:** دولت نهم در ابتکاری، سفرهای استانی را راه‌اندازی کرد تا از نزدیک شاهد کاستی‌ها و نیازهای مردم هر استان باشد و از همان جا نیز برای حل مشکلات مردم مصوبه‌هایش را رقم زند. به همین منظور وزیران به همراه رییس‌جمهوری دور هم جمع می‌شدند و با بررسی وضعیت هر استان مصوباتی را تصویب می‌کردند که کاملا لازم‌الاجرا بودند.

اندکی نگذشت که سفرهای استانی دولت نهم شهره شد و امیدهایی نیز در گرو آن، در دل مردم نقاط محروم شکل گرفت. دور اول و دوم سفرهای استانی پر بود از مصوباتی که رنگ و بوی اقتصادی داشت. از ریزترین نیازهای مردم تا درشت‌ترین آنها؛ همه در فهرست مصوبات هر استان ردیف شدند.

اغلب دیده می‌شد نیازهایی که در حد فرماندار هر استان بودند نیز در فهرست مصوبات استانی صف بسته‌اند تا مهلت اجرا یابند.

دور دوم سفرهای استانی نیز در دولت نهم کلید خورد. احمدی‌نژاد مانند دور قبل سفرهای استانی را با شدت هرچه تمام‌تر ادامه داد. مصوبات دور دوم نیز بر فهرست مصوبات قبلی تلنبار شدند، با این حال خبری از اجرای مصوبات نبود. کم‌کم انتقادات شروع شد؛ انتقاد به عدم اجرای مصوبات هیات دولت در حالی‌که مصوبات دور دوم نیز بر فهرست قبلی اضافه شده بودند. در حلقه منتقدان هم کارشناسان جایی داشتند و هم مجلس‌نشینان. یکی می‌گفت، برخی از مصوبات هیات دولت تبلیغی و احساسی است و دیگری از رها شدن مصوبات به حال خود خبر می‌داد. حتی برخی نیز بودند که با سرکشی به حوزه انتخابیه خود از کندی پیشرفت مصوبات می‌گفتند. شاید طرح چنین انتقاداتی بود که دولت را واداشت تا در سفرهای استانی مدیران عامل بانکی را همراه کند تا پروژه‌ها و طرح‌هایی که در خلال سفرهای استانی تصویب می‌شد، تامین اعتبار کنند.

کم‌کم فشار بر بانک‌ها بیشتر شد زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل عدم اجرای مصوبات سفرهای استانی تامین منابع طرح‌ها و پروژه‌ها بود. در این بین برخی از مدیران عامل بانکی با دولت همراه شدند و برخی نیز که از همراهی بیشتر با دولت خودداری می‌کردند، جای خود را به دیگران دادند.

در آن روزها تقریبا اغلب مدیران بانکی عوض شدند. خانه‌تکانی دولت در حوزه بانکی تنها عبارتی بود که دهان به دهان می‌گشت و حال و روز بانکداران در آن دوره را به تصویر می‌کشید.

با یک اقدام ضرب‌الاجلی شبکه بانکی یکدست شد و آنانی آورده شدند که همراه‌تر بودند. تزریق منابع به دست مدیران عامل جدید بانکی آغاز شد و برخی از مصوبات مجال اجرا یافتند. دیری نپایید که منابع بانکی در نتیجه اجرای دو سیاست همسو یعنی تامین مالی پروژه بنگاه‌های زودبازده و مسکن مهر ته کشید و بعد از مدتی شبکه بانکی قفل شد. در این هنگام مطالبات معوق بانکی به شدت رشد کردند و به ۵۰ هزار میلیارد تومان رسیدند؛ اتفاقی که موجب قفل شدن بخشی از منابعی شد که می‌توانست به احیای پروژه‌ای استانی کمک کند.

اما دولت با این اتفاقات کاری نداشت و خواهان اجرای مصوبات استانی بود. در این مرحله بانک مرکزی وارد عمل شده و خطوط اعتباری را در اختیار بانک‌ها نهاد تا اتهام عدم پرداخت تسهیلات را از روی پیشانی آنها پاک کند اما نتوانست و در نهایت این بخش‌های تولیدی و فعالان اقتصادی بودند که ناچار به تحمل شرایط شدند. البته در این بین آسیب‌پذیری کوچک‌ترها به مراتب بیشتر از آنهایی بود که قد و قواره‌ای داشتند. فشار بر بانک‌ها نیز موثر واقع نیفتاد؛ چرا که منابعی در کار نبود تا صرف تامین اعتبار شود. در این سال‌ها که چندان هم دور نیست، بانک‌ها علاوه بر صددرصد منابع خود، به منابع بانک مرکزی نیز متوسل شدند تا بتوانند پروژه‌ها و طرح‌های بیشتری را تامین اعتبار کنند. در نتیجه نسبت تسهیلات به سپرده‌ها به بیش از ۱۱۶درصد رسید که به شدت موجب تورم و نقدینگی شد. هنوز سرانجام مصوبات استانی دور اول و دوم روشن نشده بود که باز هم دولت دهم به ریاست محمود احمدی‌نژاد دور سوم سفرهای استانی را کلید زد. در این سفرها حجم کار زیاد بود. دولت هم باید مصوبات جدید تصویب می‌کرد و هم مصوبات قبلی دو سفر دیگر را پیگیری می‌کرد.

این بار انتقادات ابعاد گسترده‌تری یافت. برخی چون امیدوار رضایی، عضو هیات رییسه مجلس معتقد بودند، اجرای تمام مصوبات استانی به یک قرن زمان نیاز دارد و برخی نیز چون پورمحمدی، رییس سازمان بازرسی کل کشور خواهان لغو مصوباتی شدند که به هر دلیلی اجرا نشدند. حتی او خواستار اعلام لغو مصوبات به شهروندان هم شد.

با گذشت این همه سال و نتایج ناموفق سفرهای استانی، دولت همچنان بر اجرای سفرهای استانی اصرار دارد؛ چرا که تقریبا ۱۰ روز پیش با رفتن به اردبیل دور چهارم سفرهای استانی را آغاز کرد. دور چهارم سفرهای استانی نیز نتیجه‌ای مشابه سفرهای دیگر دولت خواهند داشت، البته با فشار کمتر بر شبکه بانکی؛ چرا که در این شش سال که از عمر دولت‌های نهم و دهم می‌گذرد، توان بانک‌ها به شدت تحلیل رفته و خود دولت نیز به این باور رسیده است. شاید اگر بانک‌ها جانی دوباره گیرند، باز هم دولت بی‌میل نباشد که پروژه‌ای دیگر را راه‌اندازی کند.

نگاه به ایده‌هایی که بحران را به اقتصاد جهانی تزریق کرد

شاخص‌های افراطی؛ اقتصاد قمارخانه‌ای

شاران بورو/ ترجمه: دکتر زهرا کریمی موغاری*

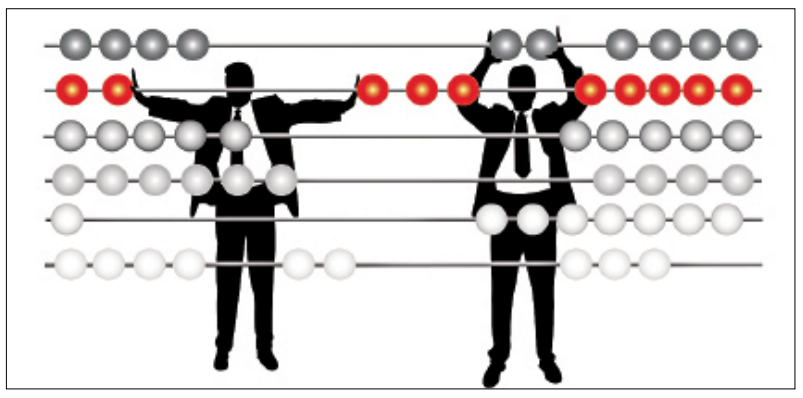

جهان هنوز درگیر بحرانی اقتصادی است که در مقیاسی بی‌سابقه بروز کرده است. گفت‌وگو درباره بهبود وضعیت اقتصادی بسیار زود هنگام است. در واقع تعداد بیکاران همچنان رو به افزایش است؛ نه مصرف خانوارها و نه سرمایه‌گذاری خصوصی به حدی استحکام نیافته که بتواند اقتصاد را از کسادی بیرون بکشد. اقتصاددانان در این‌باره توافق دارند که حذف محرک‌های اقتصادی به احتمال زیاد اقتصاد جهان را به بحران عمیق‌تری فرو خواهد برد. ولی پیامدهای حاصل از فعالیت‌های سوداگرانه بازارهای جهانی سرمایه که به درستی تنظیم و کنترل نشده‌اند و فشار سنگین بر بودجه دولت‌ها مانع بزرگی بر سر راه اعمال سیاست‌های انبساطی است. جامعه جهانی تا حدودی موفق شده است که جلو فروپاشی بازار سرمایه را بگیرد ولی نتوانسته درسی را که از بحران فراگرفته بود به کار بندد. پارادایم اقتصادی مسلط در ۳۰ سال گذشته، که به کاهش درآمد کارگران، تشدید نابرابری، عدم توازن مالی، افزایش بدهی خانوارها، کاهش سرمایه‌گذاری‌های واقعی و رشد بیش از حد بازار سرمایه منجر شده است، با دنیای واقعی فاصله زیادی دارد. در حال حاضر بورس‌های جهان، با تکیه بر کمک‌های دولتی توانسته‌اند زیان‌های هنگفت را تحمل کرده و دوباره رونق گرفته‌اند؛ ولی بازار مسکن همچنان در کسادی به سر می‌برد. از آنجا که بورس‌ها محل تجمع دارایی ثروتمندان و بازار مسکن محل سرمایه‌گذاری مردم معمولی است، نابرابری در توزیع درآمد، حتی در دوران بحران نیز در اکثر کشورهای جهان شدت یافته است. حباب‌های مخرب در بازارهای سرمایه پایه‌های اصلی نظام اقتصادی مسلطی هستند که رشد بی‌سابقه «سلاح‌های کشتار جمعی» بازار سرمایه و قلعه عظیمی از پول مجازی را سبب شده‌اند. تزریق پول به سیستم اقتصادی، بدون اینکه تغییری اساسی ایجاد شود، به بی‌ثباتی منجر شده و تداوم این شیوه به شکل‌گیری حباب‌های جدید بزرگ‌تر و بی‌ثباتی بیشتر خواهد انجامید. کمک‌های اعطایی از سوی دولت، که با تحمل کسر بودجه صورت گرفته، تاکنون طرح این سوال را به تعویق انداخته است که چه کسی باید هزینه بحران را پرداخت کند. دولت‌ها تحت فشار هستند که در میان مدت، بدهی خود را کاهش دهند. سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، اشتغال در فعالیت‌های دولتی و در کل دولت رفاه به نحو فزاینده‌ای هدف اصلی طرح «استحکام بودجه» قرار گرفته است. هزینه افراطی‌گری‌های بازارهای سرمایه را اکنون باید مردم، با تحمل کاهش بودجه بهداشت و درمان و تنزل درآمد دوران بازنشستگی بپردازند. این استراتژی غیرمنصفانه است و خطر از میان رفتن انسجام اجتماعی را به دنبال دارد. به علاوه کاهش بودجه در شرایط تداوم کسادی، به تنزل بیشتر قدرت خرید مردم می‌انجامد و کسادی بلندمدت را در پی خواهد داشت. با اعمال سیاست‌های مالی انقباضی، نسبت کسر بودجه و بدهی به تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت، زیرا کاهش هزینه‌های دولت، از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی در دوران فقدان رشد اقتصادی، خنثی می‌شود. در وضعیت کنونی، در عکس‌العمل به بحران اقتصادی، تنها دو راه وجود دارد یا تداوم اقتصاد رقابتی یا ایجاد فضای همکاری و تعاون. راهکار مبتنی بر رقابت به معنای آن است که کشورها و شرکت‌ها تلاش ورزند تا با ایجاد جنگ قیمت‌ها، سهم خود را در بازارهای صادراتی افزایش دهند. پیامد چنین روشی کاهش شدید مزد، پرداخت یارانه به صادرات، اصلاحات مالیاتی برای تقویت بخش صادراتی، کاهش مالیات بر درآمد و افزایش مالیات برمصرف و پایین آوردن ارزش پول ملی در مقابل سایر ارزهاست. در حالی که مازاد تجاری حاصل از صادرات بیشتر برای یک کشور مزیت محسوب می‌شود، قطعا تمامی کشورهای جهان نمی‌توانند مازاد تجاری داشته باشند. در واقع تجارت جهانی بازی با جمع صفر است. مازاد تجاری یک کشور معادل کسری تجاری کشوری دیگر است. در عمل این شرکت‌ها هستند که با هم رقابت می‌کنند، نه کشورها. مسلما نمی‌توان انتظار داشت شرکت‌هایی که بهره‌وری بالایی دارند به طور مصنوعی هزینه‌های تولید را بالا ببرند یا تولید کمتری داشته باشند، بلکه سطح بهره‌وری برای همه کشورها باید به نحوی بالا رود که رشد واردات، افزایش تقاضای کل و توازن اقتصاد جهانی ممکن شود. به این معنا که شهروندان و دولت‌های کشورهایی که دارای مازاد تجاری هستند باید مصرف بیشتری داشته باشند. به رغم تمامی شعارها در مورد مزیت تجارت آزاد و ضرورت توقف سیاست‌های حمایت از تولید داخلی، روش مبتنی بر رقابت، سریع‌ترین راه برای درهم شکستن نظام اقتصادی مبتنی بر تجارت آزاد است. کشورهایی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند سطح رفاه مردم به سرعت تنزل پیدا کند، جز اعمال سیاست‌های حمایت از تولید داخلی و مقابله با کشورهایی که می‌خواهند بحران خود را به دیگر کشورها صادر کنند، راه دیگری ندارند. در مقابل، راهکار مبتنی بر همکاری شامل اقداماتی در جهت افزایش تقاضای نهایی، معکوس‌کردن روند نزولی دستمزدها و گسترش چتر حمایتی تامین اجتماعی و ایجاد توازن در اقتصاد جهانی است. اعمال مقررات در بازارهای سرمایه، کنترل ماهیت سوداگرانه این بازارها و افزایش ظرفیت دریافت مالیات از سرمایه و دارایی اجزای مهم این رویکرد هستند. در این رویکرد کار شایسته و عدالت اجتماعی در مرکز استراتژی رونق اقتصادی قرار دارد. انتخاب میان استراتژی مبتنی بر همکاری (استراتژی بلند مدت و پایدار با تاکید بر افزایش مزد و درآمد) و رویکرد رقابتی (شرکت در مسابقه حرکت به سوی قهقرا) یک انتخاب سیاسی است. آنها که از جهانی شدن نئولیبرالی و گسترش عملکرد افسارگسیخته بازارهای سرمایه سود می‌برند از پذیرش مسوولیت بروز بحران در اقتصاد جهانی سر باز می‌زنند و در مقابل هرگونه تلاش در جهت حمایت از مردم در مقابل اقتصاد قمارخانه‌ای مقاومت می‌کنند. آنها از حمایت ارتشی از متفکران و «پژوهشگران مستقل» برخوردارند. اکثر مقالات منتشرشده از سوی «کارشناسان مستقل» در واقع به صورت زیرکانه‌ای از منافع گروه‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ حمایت می‌کند. تامین مالی ناکافی و حساب‌شده دانشگاه‌های دولتی در کشورهای صنعتی، تولید دانش را به نحو فزاینده‌ای خصوصی کرده و در خدمت منافع گروه‌های خاصی قرار داده است. این کارشناسان همچنان به نوشتن نسخه‌هایی ادامه می‌دهند که بیمار را کشته و دکتر را ثروتمند کرده است. نسخه‌هایی مانند ایجاد انعطاف پذیری در بازار کار، کاهش مالیات‌ها، کاستن از هزینه‌های دولت، آزادسازی بازار سرمایه و اعمال حداقل مقررات برای بازار سرمایه هنوز هم در دستور کار این گروه قراردارد. گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است. رونق اقتصادی ناشی از فعالیت بازارهای سرمایه و شرکت‌های بزرگ فراملیتی، سرانجام به بحرانی منجر می‌شود که مردم زحمتکش با تحمل بیکاری بیشتر و مزد کمتر، کاهش هزینه‌های عمومی و افزایش مالیات بر مصرف باید هزینه آن را بپردازند. تشکل‌های کارگری در شرایط کنونی با چالش‌های بسیار بزرگی چون فشار برمزدها و فرصت‌های شغلی مواجهند که به عکس‌العملی سریع و راهکارهای عملی نیازمند است. غالبا تشکل‌های کارگری جز مذاکره برای تقسیم رنج ناشی از بحران اقتصادی راهی ندارند. ولی در عین حال این تشکل‌ها باید برای شکل دادن به اقتصادی عادلانه‌تر در عرصه‌های ملی و بین‌المللی فعالانه تلاش کنند. تشکل‌های کارگری نباید فقط برای حفظ فرصت‌های شغلی مذاکره کنند. قرارگرفتن در موقعیت تدافعی به معنای عقب‌نشینی دایمی است. بدون تغییری جدی در سیاست‌های اقتصادی، شرایط کار روز به روز بدتر خواهد شد و تشکل‌های کارگری برای ساماندهی کارگران و تقویت توان چانه زنی خود با مشکلات فزاینده‌ای روبه‌رو خواهند شد. از سوی دیگر اگر این تشکل‌ها صرفا بر ضرورت تحولات اساسی در سیاست‌های اقتصادی متمرکز شوند، بدون مشارکت در امور جاری و گاه تلخ دادن امتیاز برای حفظ فرصت‌های شغلی راه به جایی نخواهند برد. زیرا مساله امروز را باید امروز حل کرد.

افراد واقع گرا می‌گویند: «مردم راه‌حل می‌خواهند نه چشم‌انداز» ولی بدون چشم‌اندازی امیدبخش هیچ راهکار بادوامی وجود نخواهد داشت. در این راستا، بحران اقتصادی خود فرصتی برای بازنگری دوباره به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی است. نظام کهنه با شکست روبه‌رو شده و اکنون زمان مناسبی برای تفکری فراتر از کسب و کار همیشگی است. در عکس‌العمل نسبت به بحران اقتصاد جهانی، اعمال سیاست‌هایی ضروری است که به تحقق اهدافی چون اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، گسترش خدمات عمومی با کیفیت، امنیت شغلی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت برای فعالیت‌های اقتصادی پایدار و حامی محیط زیست اولویت دهد. دستیابی به این اهداف بدون مالیات تصاعدی بر درآمد، مالیات بر معاملات در بازارهای سرمایه و اعمال مقررات شدیدا کنترل‌کننده در بازارهای مالی، نظام تجاری توسعه‌گرا، سیاست‌های صنعتی سبز، گسترش پوشش مذاکرات دسته جمعی و اجرای دقیق قانون کار و نظام جامع تامین اجتماعی امکان‌پذیر نیست. برای چنین تحولی اندیشه‌های جدید، چشم‌اندازهای امیدبخش و عزم سیاسی لازم است. قدم اول برای ساختن آینده‌ای عادلانه‌تر، شناخت علل بروز بحران است. گام بعدی، طرح اندیشه‌های نوین و غلبه بر دیدگاه اقتصادی – سیاسی ارتدوکس است.

***اقتصاددان – عضو هیات علمی دانشگاه مازندران**

اختلاس میلیاردی و توانی که از دست رفت

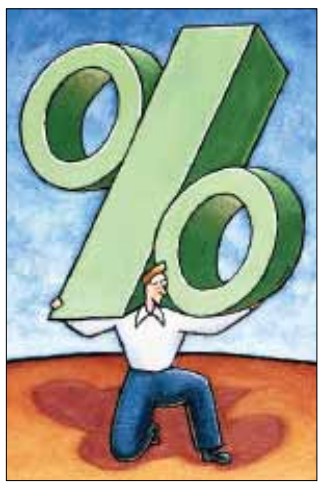

ایسنا: این روزها در حالی ارقام سوءاستفاده اخیر مالی هر روز تغییر می‌کند که مردم از آن به عنوان اختلاس سه هزار میلیارد تومانی یاد می‌کنند، اگرچه به گفته برخی مسوولان این رقم واقعی نیست و سوءاستفاده مالی صورت گرفته حدود یک هزار و ۷۵۰ میلیارد تومان است. اما گذشته از اختلاف ارقام، یک واقعیت در لابه‌لای این موضوع نهفته است و آن اینکه اگر بدانیم با مثلا سه هزار میلیارد تومان چه کارهایی می‌توان کرد، موضوع پرداختن به نواقص نظام بانکی که از دل آن با سودجویی چند فرد حقیقی، چنین فساد عظیمی می‌تواند بیرون بیاید، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. براساس آخرین اعلام‌ها دولت هم‌اکنون ماهانه سه هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت می‌کند. بر این اساس به هر نفر متقاضی یارانه ماهیانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان تعلق می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت با رقمی که گفته می‌شود از سیستم بانکی کشور خارج شده، دست‌کم می‌توان در یک ماه معادل یارانه نقدی را به حساب هر ایرانی واریز کرد. همچنین براساس آخرین اعلام بانک مرکزی هم‌اکنون میزان نقدینگی موجود در کشور به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این رقم نشان می‌دهد که رقم سه‌هزار میلیارد تومان در واقع یک درصد نقدینگی کل کشور است. این به آن معناست که اگر فقط صد نفر مشابه شرکت امیرمنصور آریا بتوانند در کشور سوءاستفاده مالی داشته باشند، می‌توانند معادل همه نقدینگی کشور را در دست داشته باشند. در حال حاضر صندوق مهر امام‌رضا(ع) تسهیلات اشتغال‌زایی را به متقاضیان ارایه می‌کند. براساس آخرین اطلاعیه این صندوق بیشترین رقم تسهیلات ارایه شده برای ایجاد اشتغال ۱۰میلیون تومان است. مقایسه‌ای بین رقم سوءاستفاده مالی اخیر با سقف تسهیلات اشتغال‌زایی صندوق مهر امام‌رضا (ع) نشان می‌دهد که با آن رقم امکان ایجاد ۳۰۰ هزار شغل فقط از طریق خود اشتغالی وجود داشته است. در حال حاضر متوسط قیمت سکه بهار آزادی در کشور ۶۰۰ هزار تومان است و با رقم سوءاستفاده شده اخیر این امکان وجود دارد که پنج میلیون سکه از بازار جمع‌آوری شود.

بر این اساس اگر فقط ۱۰ درصد دارایی فرد سوءاستفاده‌کننده برای جمع‌آوری سکه از بازار اختصاص می‌یافت، می‌توان تصور کرد که چه تلاطمی در بازار سکه ایجاد می‌شد. براساس آخرین ارقام اعلام شده توسط مرکز آمار ایران، متوسط قیمت یک متر خانه مسکونی در تهران حدود دو میلیون تومان برآورد شده است. بنابراین بهای یک واحد مسکونی متوسط صد متری در تهران ۲۰۰ میلیون تومان محاسبه می‌شود. در واقع سه هزار میلیارد تومان معادل ۱۵هزار واحد مسکونی صد متری در یک محله متوسط شهر تهران است. این رقم را می‌توان با متوسط بهای واحدهای مسکونی در یک استان یا یک شهرستان دیگر مقایسه کرد. براساس آخرین اعلام، موجودی صندوق توسعه ملی هم اکنون به ۲۱ میلیارد دلار رسیده است که نشان می‌دهد رقم سوءاستفاده مالی اخیر حدود یک هفتم موجودی صندوق توسعه ملی است. همچنین اولین قرارداد عاملیت امضا شده از سوی صندوق توسعه ملی با بانک عامل که بانک صنعت و معدن بود، رقمی معادل ۲/۵ میلیارد دلار داشت. با این قرارداد ۱۸۴ طرح پشتیبانی مالی می‌شد که نشان می‌دهد رقم سوءاستفاده مالی اخیر دست‌کم می‌توانست ۱۸۴ طرح را عملیاتی کند. همچنین کشور در سال گذشته ۲۶ میلیارد دلار صادرات داشته و رقمی که این روزها به اختلاس از سیستم بانکی معروف شده، حدود ۱۰درصد صادرات کل کشور را تشکیل می‌دهد.

جزییات افزایش قیمت محصولات لبنی اعلام شد

قانون: قیمت انواع شیر پاستوریزه استریل هشت درصد افزایش یافت. دبیر انجمن صنایع لبنی کشور افزود: بر اساس تصمیمات اتخاذ شده قیمت انواع ماست، پنیر، بستنی و خامه نیز افزایش قیمتی برابر با شش درصد تجربه کرده است. رضا باکری گفت: سایر اقلام محصولات لبنی نیز رشد قیمتی برابر با هفت درصد داشته‌اند و این افزایش به تایید سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیز رسیده و قانونی است. او درخصوص اخباری مبنی بر کاهش تولید شیر گفت: در جلسه‌ای که ما با مسوولان سازمان حمایت داشتیم، اعلام شد که شیرهای نایلونی زیان‌ده هستند و باید فکری به حال قیمت‌گذاری آنها شود. این شیرها به دلیل زیان‌دهی تنوع وزنی پیدا کرده بودند و برای جلوگیری از این وضعیت که ممکن است به سوءاستفاده برخی منجر شود، مقرر شد شیر نایلونی ۹۰۰ گرمی با یک درصد چربی به قیمت ۶۰۰ تومان و شیر نایلونی ۹۰۰ گرمی با دو درصد چربی به قیمت ۶۷۵ تومان توزیع شود. او گفت: پیش از این تصمیم، برخی شیرهای نایلونی حتی در وزن ۷۰۰ گرم هم توزیع می‌شدند.

خبر

احتمال توقف شماره‌گذاری دو خودرو دیگر

■ **ایسنا:** رییس سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران گفت: یکی، دو خودرو هستند که هنوز همه استانداردها را به صورت کامل رعایت نکرده‌اند و ممکن است در آینده‌ای نزدیک شماره‌گذاری آنها متوقف شود. نظام‌الدین برزگری بدون نام بردن اسامی این خودروها گفت: در مورد یکی از این خودروها شرکت خودروساز تعهد کتبی داده که یک مورد استاندارد باقیمانده آن به زودی اجرا شود. وی در پاسخ به این سوال که آیا این دو خودرو ریو و روآ هستند؟ عنوان کرد: اسمی از این خودروها نمی‌برم، اما به همه بنگاه‌های تولیدی و به ویژه خودروسازان اعلام می‌کنم که هر کس استانداردها را رعایت نکند، براساس قانون با آنها برخورد می‌شود. به گفته برزگری ظرف یک هفته آینده تکلیف ادامه شماره‌گذاری یا توقف شماره‌گذاری خودروهای فوق مشخص می‌شود.

قیمت مسکن و اجاره بها در تهران بلوک‌بندی می‌شود
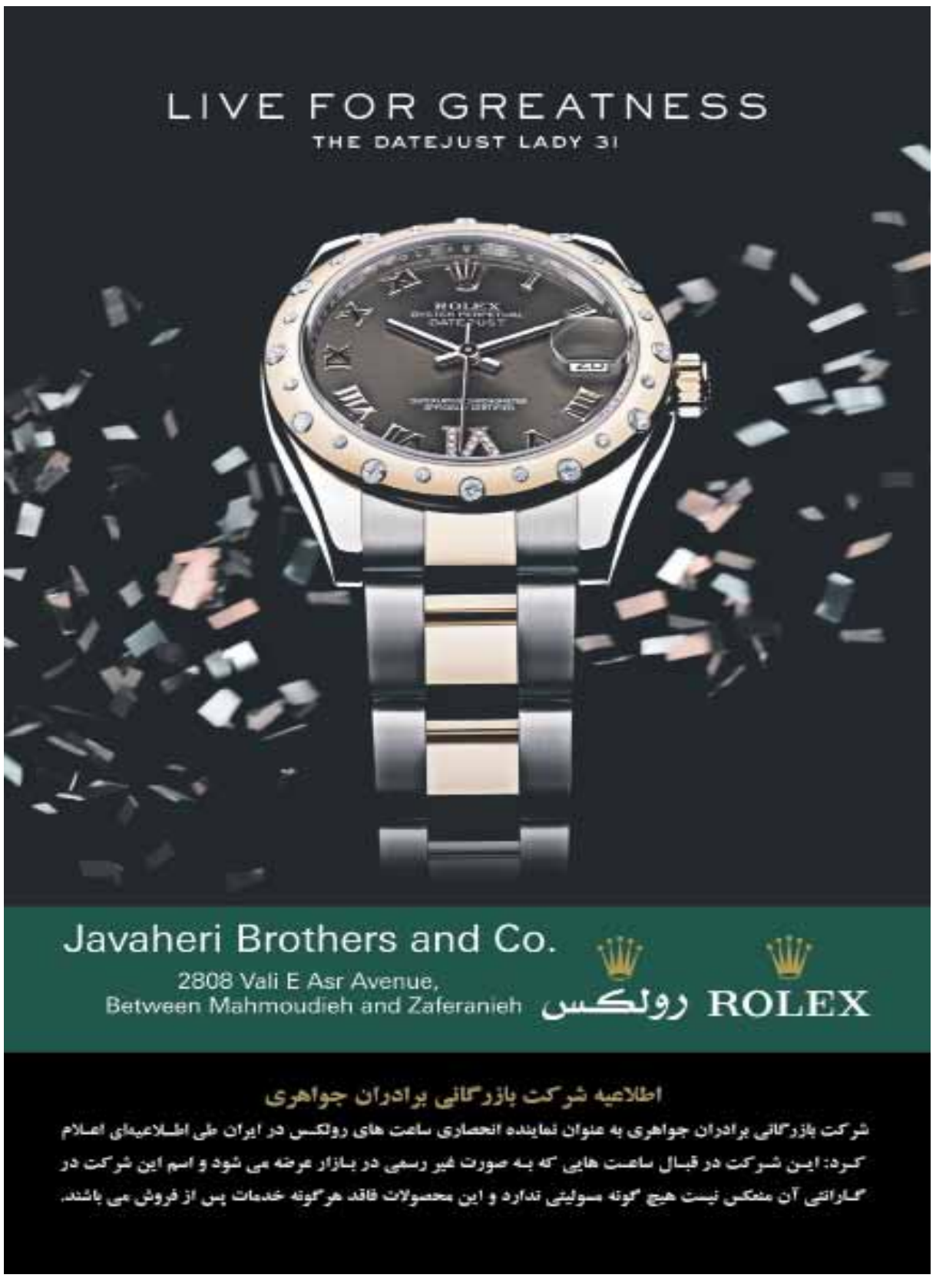
■ **فارس:** رییس اتحادیه املاک با تشریح جزییات طرح بلوک‌بندی قیمت مسکن و اجاره‌بها در ۲۲ منطقه تهران گفت: با نظارت وزیر راه و شهرسازی آرام‌آرام قیمت مسکن مناطق مختلف تهران برای طرح بلوک‌بندی در حال استخراج است. مصطفی قلی‌خسروی با تشریح جزییات بلوک‌بندی قیمت مسکن و اجاره بها در مناطق ۲۲گانه تهران افزود: طرح بلوک‌بندی قیمت مسکن و اجاره‌بهای تهران طبق دستور وزیر راه و شهرسازی در حال انجام است و تاکنون نیز برای پیشبرد این برنامه چندین جلسه برای تعیین قیمت مسکن مناطق برگزار شده است. وی با بیان اینکه آنچه که برای ما مسلم است، این است که مالکیت محترم و در اسلام محترم‌تر است، گفت: قیمت‌گذاری مناطق باید با یک ظرافت خوبی انجام شود تا ما بتوانیم یک بلوک‌بندی انجام دهیم تا این مناطق روی سایت سامانه کد رهگیری برای استفاده مشاوران املاک گذاشته شود. وی ادامه داد: به عنوان مثال با گذاشتن قیمت این مناطق در جدول روی سایت اگر فردی بخواهد قیمت مسکن بالایی به بنگاه املاک ارایه دهد، این مشاور املاک می‌تواند با ورود به این سیستم و دیدن جدول قیمت‌ها، ارایه‌کننده آن قیمت را برای پایین آوردن قیمت مورد نظر توجیه کند تا در نهایت با توافق مالک و مستأجر به یک قیمت مطلوبی دست یابند.